

## طراحی مدل مفهومی الزامات استفاده از ابزار تحریم در پیشبرد

### اهداف سیاست خارجی ایالات متحده

فرهنگ مجاهد<sup>۱</sup>

محسن جودکی<sup>۲</sup>

امیرحسین ذاکر مسکر<sup>۳</sup>

سید یحیی علوی<sup>۴</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۶/۲۳

تاریخ ارسال: ۱۳۹۷/۰۴/۰۸

### چکیده

تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا به یکی از مهم‌ترین مسائل اقتصادی، سیاسی و امنیتی ایران و برخی دیگر کشورها در مهروموم‌های اخیر تبدیل شده است. از منظر خبرگان و مسئولان ارشد وزارت خزانه‌داری، اجرای مؤثر و کارآمد تحریم‌ها نیازمند تحقق الزامات و شرایطی است. در دوره ریاست جمهوری ترامپ و با توجه به رویکرد او در استفاده مضاعف از سلاح تحریم، الزامات تحریم به یکی از مباحث مهم امنیت ملی آمریکا تبدیل شده است. به‌رغم بحث‌ها و گفتگوهای فراوانی که در این زمینه میان نظریه‌پردازان علمی و سیاستمداران صورت گرفته است، هنوز این مفهوم و مصادیق آن در قالب یک مدل علمی و تحلیلی ارائه نشده است. بدیهی است شناسایی و استخراج الزامات کارآمدی تحریم می‌تواند در جهت تضعیف و مقابله با آن استفاده شود. از این رو پژوهش حاضر به طراحی مدل مفهومی الزامات استفاده از ابزار تحریم در پیشبرد اهداف سیاست خارجی ایالات متحده می‌پردازد. روش تحقیق کیفی و مبتنی بر نظریه‌پردازی داده بنیاد ثانویه است. به این منظور با استفاده از روش داده بنیاد صحبت‌های ۶ مقام ارشد وزارت خزانه‌داری آمریکا در ده سال اخیر شامل استوارت لوی، الیزابت روزنبرگ، دیوید کوهن، آدام ژوبین، خوان زارانه و ریچارد نفیو مورد تحلیل قرار گرفت و الزامات کلیدی کارآمدی تحریم از منظر آنها استخراج شد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد الزامات شامل ۲۵ مورد است که در سه دسته الزامات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی-اجتماعی تقسیم می‌شود و مهم‌ترین آن، وابستگی زیاد کشور هدف و شرکای تجاری آن به دلار و اقتصاد آمریکاست.

**واژگان کلیدی:** جنگ اقتصادی، الزامات اثرگذاری تحریم، تحریم‌های اقتصادی آمریکا، نظریه‌پردازی داده بنیاد

<sup>۱</sup> کارشناسی ارشد معارف اسلامی و اقتصاد دانشگاه امام صادق(ع)، نویسنده مسئول (f.mojahed74@gmail.com)

<sup>۲</sup> کارشناسی ارشد معارف اسلامی و اقتصاد دانشگاه امام صادق(ع) (joodaki313@gmail.com)

<sup>۳</sup> کارشناسی ارشد معارف اسلامی و اقتصاد دانشگاه امام صادق(ع) (ahzaker74@gmail.com)

<sup>۴</sup> دکتری اقتصاد و استادیار دانشگاه جامع امام حسین(ع) (sy.alavi@chmail.ir)

## ۱. مقدمه

سابقه تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا علیه کشورهای دیگر به بیش از یک قرن می‌رسد. این تحریم‌ها در یک دهه اخیر و به ویژه در مورد ایران توسعه یافته و به موضوع چالشی در امنیت بین‌الملل تبدیل شده است. از منظر خبرگان تحریم و مسئولان ارشد وزارت خزانه‌داری آمریکا، اجرای مؤثر این تحریم‌ها منوط به رعایت الزاماتی است که شناسایی و استخراج آن می‌تواند در جهت تضعیف تحریم‌ها و مقابله با آن استفاده شود. این پژوهش در این راستا به طراحی مدل مفهومی الزامات استفاده از ابزار تحریم در پیشبرد اهداف سیاست خارجی ایالات متحده می‌پردازد. به این منظور آثار مکتوب و سخنرانی‌های ۶ نفر از خبرگان و مسئولان ارشد وزارت خزانه‌داری آمریکا در موضوع تحریم‌ها با استفاده از روش داده بنیاد مورد تحلیل قرار گرفت. یافته‌ها نشان می‌دهد که سه دسته الزامات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی - اجتماعی برای اثرگذاری تحریم‌ها بر کشور هدف ضرورت داد که مهم‌ترین آن وابستگی کشور هدف و شرکای تجاری آن به دلار و اقتصاد آمریکاست. ایران در طول تاریخ بعد از انقلاب اسلامی، هدف انواع تحریم‌های اقتصادی اعم از یک‌جانبه و چندجانبه قرار داشته است. به‌گونه‌ای که بعد از هشت سال دفاع مقدس، تحریم اقتصادی به‌عنوان جایگزین جنگ نظامی، اساسی‌ترین گزینه راهبردی غرب برای فشار بر ایران محسوب می‌شود. با توجه به جایگاه بین‌المللی آمریکا و سلطه دلار، تحریم را باید به‌عنوان ابزاری مؤثر در استراتژی غرب برای فشار اقتصادی بر ایران و منزوی ساختن آن مطرح کرد. قدرت این تحریم‌ها به دلیل محوریت اقتصاد آمریکا در جهان می‌باشد. ایالات متحده یکی از بزرگ‌ترین اقتصادهای دنیا را در دست داشته و ارزش ملی آن به مثابه یک ارزش جهان‌روا و ستون فقرات نظام مالی جهان به شمار می‌رود. این امر منجر به استفاده بیش از پیش ایالات متحده از ابزار تحریم شده است. با توجه به جایگاه ویژه ابزار تحریم در پیشبرد اهداف سیاست خارجی آمریکا، می‌بایست در سطح راهبردی به بررسی و مقابله با این استراتژی توجه شود. منظور از سطح راهبردی تحریم‌ها، اهداف و ابعاد بلندمدت و الزامات کارآمدی آن و کیفیت اثرگذاری این استراتژی نسبت به کشورهای تحریمی در نیل به اهداف تحریم کنندگان می‌باشد. بدیهی است درک الزامات تحریم‌ها و شناسایی نقاط آسیب‌پذیر مکانیزم آن جهت افزایش کارایی از اهمیتی اساسی برای مسئولان کشور برخوردار است و بدون آن امکان طراحی اقدامات متقابل جهت کاهش آسیب‌پذیری از تحریم‌ها میسر نیست. شایان ذکر می‌باشد این بررسی به استخراج الگوی نظام‌مند مقابله با تحریم‌ها کمک شایانی خواهد کرد.

ترتیب بخش‌های مقاله نیز بدین صورت می‌باشد؛ بعد از بیان مبانی نظری و پیشینه تحقیق، روش داده بنیاد توضیح داده شده است. سپس نظرات خبرگان تحریم در آمریکا تحلیل محتوا شده و مقوله‌های کلیدی و محوری در موضوع الزامات کارآمدی تحریم‌های آمریکا استخراج گردیده است.

## ۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

در این بخش به تشریح مفاهیم موردنیاز در حوزه سیاست خارجی آمریکا، تحریم و کارایی آن پرداخته می‌شود.

## ۲-۱. تعریف تحریم

«تحریم» را می‌توان جزئی از دیپلماسی بین‌المللی حاکم بر جهان کنونی دانست که از سوی کشورهای تحریم‌کننده به‌عنوان ابزاری غیرنظامی جهت اجبار دولت کشورهای هدف، برای انجام واکنش مورد نظر اعمال می‌شود. منظور از «تحریم اقتصادی»، کاهش یا متوقف ساختن، یا تهدید به توقف روابط تجاری، مالی و اقتصادی متعارف با کشور هدف از سوی دولت کشور تحریم‌کننده می‌باشد. منظور از روابط «متعارف» در این تعریف، روابط در وضعیت بدون اعمال تحریم است. در حقیقت، تحریم سلاحي اقتصادی در میدان مبارزه‌ای غیرنظامی است که دیپلماسی را از گفتگو فراتر برده و وارد عمل می‌شود (ایلر، ۲۰۰۷: ۴). «نهاد تحریم‌کننده»<sup>۱</sup> ممکن است دولت یک یا چند کشور از قبیل امریکا و یا یک سازمان بین‌المللی مانند شورای امنیت سازمان ملل باشد. «کشور هدف»<sup>۲</sup> کشوری است که مستقیماً مورد اعمال سیاست‌های تحریم واقع شده است. منظور از «اهداف سیاسی»، تغییر در رفتارهای سیاسی کشور هدف است که کشور تحریم‌کننده به‌طور صریح یا ضمنی در پی آن می‌باشد (هافبائر و همکاران، ۲۰۰۷: ۳ و ۴۴).

## ۲-۲. انواع تحریم

تحریم‌های اقتصادی در یک تقسیم‌بندی موضوعی به چهار گروه کلی تحریم‌های تجاری، تحریم‌های مالی، تحریم‌های مسافرتی و تحریم‌های نظامی تقسیم می‌شود (Bessler and Others, 2004:1). تحریم‌های تجاری عبارت است از ممنوعیت فروش و دادوستد کالا و خدمات با اشخاص هدف که معمولاً به تحریم‌های صادرات و واردات تقسیم می‌شود. تحریم‌های تجاری در بین سایر تحریم‌ها بیشترین کاربرد را در تاریخ تحریم‌های اقتصادی داشته است. منع ورود کالاهای کشور تحت تحریم و منع صدور گواهی صادرات به کشور هدف از جمله تحریم‌های تجاری است که از دیرباز مورد استفاده قرار گرفته و بخش عمده‌ای از پرونده‌های تاریخ تحریم را تشکیل می‌دهد (Hafbauer and others, 2007:45).

تحریم‌های مالی بر اساس نهادهای مالی به سه حوزه بانک، بیمه و بورس تقسیم می‌شود. به دلیل وابستگی ارتباطات اقتصادی در عرصه بین‌المللی به خدمات مالی، تحریم‌های مالی، قوی‌ترین تحریم‌هاست که دیگر تحریم‌ها را در دل خود ایجاد می‌کند. از جمله تحریم‌های مالی می‌توان به قطع روابط بانکی، انسداد دارایی اشخاص و قطع خدمات بیمه نام برد (House of lords, 2007:24).

تحریم‌های مسافرتی یکی از رایج‌ترین تحریم‌هاست که با ایجاد محدودیت برای مسافرت‌های دریایی، هوایی یا زمینی، اشخاص هدف را تحت فشار قرار می‌دهد. منع صدور ویزا برای افراد تحت تحریم از جمله این تحریم‌هاست. به دلیل ویژگی این تحریم برای فشار مستقیم بر اشخاص هدف و کاهش تبعات تحریم بر مردم و اشخاص غیر تحریمی، تحریم‌های مسافرتی به‌عنوان یکی از تحریم‌های هدفمند از نیمه دهه ۹۰ میلادی از سوی نهادهای بین‌المللی نظیر سازمان ملل به کرات به کار گرفته می‌شود (Hafbauer and others, 2007: 45). تحریم‌های نظامی در واقع بخشی از تحریم‌های مالی و تجاری است که

<sup>1</sup> Sender

<sup>2</sup> Target country

توان نظامی کشور تحت تحریم را هدف قرار می‌دهد. ممنوعیت صادرات تسلیحات نظامی به کشور هدف از جمله تحریم‌های نظامی است.

میزان موفقیت تحریم به همراهی و درجه مشارکت کشورهای تحریم کننده بستگی دارد. (Hafbauer and others, 2007: 59). تحریم اقتصادی از این نظر به سه گروه همه‌جانبه، چندجانبه و یک‌جانبه تقسیم می‌شود. تحریم همه‌جانبه معمولاً توسط شورای امنیت سازمان ملل علیه کشورها یا گروه‌های هدف وضع می‌شود و تمامی کشورها ملزم به رعایت آن هستند. تحریم چندجانبه از سوی چند کشور علیه کشور هدف اعمال می‌شود. در این تحریم به اصطلاح ائتلاف کشورهای داوطلب ایجاد می‌شود و در نتیجه، اثرگذاری آن نیز بیشتر از تحریم یک‌جانبه است. تحریم‌های اتحادیه اروپا علیه سوریه نمونه‌ای از این تحریم‌های چندجانبه محسوب می‌شود.

تحریم‌های یک‌جانبه، تحریم‌های یک کشور علیه کشور یا گروه هدف است که از جمله آن می‌توان به تحریم‌های آمریکا علیه کشورها اشاره کرد. تحریم یک‌جانبه خود به دو نوع اولیه (سرزمینی) و ثانویه (فرا سرزمینی) تقسیم می‌شود. در تحریم یک‌جانبه سرزمینی، کشور تحریم کننده در راستای اهداف سیاسی خود از اهرم‌های اقتصادی در حوزه قلمرو خود نظیر قطع یا کاهش روابط تجاری و مالی برای فشار بر کشور هدف استفاده می‌کند اما در تحریم‌های ثانویه، کشور تحریم کننده از اهرم‌های اقتصادی خود برای فشار بر کشور ثالث نیز استفاده می‌کند تا تحریم‌های مدنظر را علیه کشور هدف اعمال کند (Meyer, 2009: 906).

در یک نگاه، به لحاظ دامنه پوشش بخش‌های اقتصادی، تحریم‌ها را می‌توان بر دو گونه کلی (فراگیر) و هوشمند (هدفمند) تقسیم‌بندی کرد. تحریم‌های فراگیر به تحریم‌هایی گفته می‌شود که آثار آنها قابل کنترل نبوده و دامنه خسارات و ضایعات آنها کلیه بخش‌های اقتصادی و گروه‌های اجتماعی و جمعیتی را در بر بگیرد؛ به عبارت دیگر، ابزار اقتصادی به کار گرفته شده دقت لازم را ندارند تا بتوانند دامنه خسارت تحریم را به بخش‌های اقتصادی و گروه‌های جمعیتی معینی محدود سازند و از بروز ضایعات انسانی شدید و پیامدهای ناخواسته جلوگیری کنند. از سوی دیگر، تحریم هوشمند، به تحریم‌هایی گفته می‌شود که می‌توانند فعالیت‌های اقتصادی معینی را هدف قرار دهند و دامنه خسارات تحریم را به گروه‌های اجتماعی معینی که عامل بروز بحران می‌باشند، محدود سازند (عابدینی، ۱۳۸۶: ۱۸).

## ۲-۳. اهداف کشورهای اعمال کننده تحریم

در ادبیات متعارف اقتصاد تحریم، اهداف متعددی را می‌توان برای تحریم‌های اقتصادی در نظر گرفت. این اهداف به ترتیب شدت در اعمال عبارت‌اند از: نمادگری، نمایش قدرت، تنبیه، بازدارندگی، مکمل یا مانع عملیات نظامی، تغییر در رفتار، مهار نظام و بی‌ثباتی در حکومت هدف و براندازی نرم. در ادامه به تبیین این اهداف میانی و نهایی اشاره می‌شود.

### ۲-۳-۱. نمادگری<sup>۱</sup>

گاهی اوقات تصمیم به تحریم، می‌تواند ناشی از اقداماتی صرفاً سمبلیک و نمادین باشد تا در افکار عمومی، جدیت در تصمیم کشور تحریم کننده آشکار شود. (پیغامی و همکاران، ۱۳۹۴: ۶۷) به عبارت دیگر تحریم با این هدف، ارائه شواهدی دال بر ناراضایتی فرستنده به مخاطبان و همچنین طرف دریافت کننده است؛ اما هیچ‌گونه خسارت مالی جدی را به همراه ندارد (آذری و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۱).

### ۲-۳-۲. نمایش قدرت

«اثبات توانمندی<sup>۲</sup>» و نمایش قدرت همواره در پس مسئله تحمیل تحریم مطرح بوده است و این موضوع مخصوصاً در مورد ایالت متحده صحت دارد که بارها برای قدرت‌نمایی و نشان دادن رهبری خود در مسائل جهانی اقدام به اعزام نیرو به کشورها و اعمال تحریم علیه آنها و کرده است (هافبائر و همکاران، ۲۰۰۷: ۶-۷).

### ۲-۳-۳. تنبیه<sup>۳</sup>

گاهی اوقات هدف از تحریم را باید تنبیه و مجازات کشور هدف دانست. چراکه زمان برای تغییر رفتار از دست رفته و این تحریم صرفاً جهت مجازات و تحقیر آن کشور برنامه‌ریزی می‌شود (آذری و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۱).

### ۲-۳-۴. بازدارندگی<sup>۴</sup>

بازدارندگی، دلیل دیگری است که در برخی از تحریم‌ها به آن استناد می‌شود. تحت این عنوان، کشور اعمال کننده می‌تواند با افزایش هزینه‌ها، سیاست‌های معترضانه آتی در کشور هدف را سست کرده و مانع اقدامات اشتباه آن شود؛ به عبارت دیگر تهدید به تحریم به منظور جلوگیری از انجام کار نامتعارف می‌باشد.

### ۲-۳-۵. مکمل و یا مانع عملیات نظامی

در شرایطی نیز تحریم‌هایی اقتصادی را می‌توان راهبردی جایگزین برای جنگ سخت در نظر گرفت. چرا که هزینه‌ی مالی و اقتصادی کمتری به کشور اعمال کننده، تحمیل می‌کند و اثرگذاری جدی در عرصه سیاسی و بین‌المللی به دنبال دارد. فلذا نقش مهمی در دستیابی به اهداف سیاسی و اقتصادی ایفا می‌کند. از طرفی تحت عنوان یک ابزار مکمل جهت فشار بیشتر به همراه گزینه نظامی نیز می‌تواند مطرح شود.

---

<sup>1</sup> Symbolism

<sup>2</sup> Demonstration Of Resolve

<sup>3</sup> Punishment

<sup>4</sup> Deterrence

### ۲-۳-۶. تغییر در رفتار

تحریم‌ها بخشی از دیپلماسی بین‌المللی و ابزاری برای تحت فشار قرار دادن کشورهای هدف و دخالت در روند تصمیم‌گیری حکومت‌های مستقل به شمار می‌آیند که با استفاده از آن، کشورهای هدف را وادار به تغییر در رفتارهای داخلی و یا سیاست خارجی‌اش می‌کنند (پیغامی و همکاران، ۱۳۹۴: ۶۲).

### ۲-۳-۷. مهار نظام

تحریم‌هایی باهدف مهار نظام، اغلب بر پایه کنترل قدرت نظامی و سیاسی رژیم و حفظ توازن قوا در یک منطقه مشخص می‌باشد. در این مدل از تحریم‌ها از یک‌سو جریان عرضه فناوری و تجهیزات نظامی به رژیم مورد نظر را هدف قرار می‌دهند تا از دستیابی آن به تجهیزات و فناوری نظامی جلوگیری کنند. از سوی دیگر، منابع و سرچشمه‌های درآمد رژیم را هدف قرار می‌دهند تا بنیه مالی آن را برای خرید تجهیزات مربوطه در بازار سیاه تضعیف کنند (عابدینی، ۱۳۸۶: ۱۹).

تحریم‌های اقتصادی ایران بخشی از سیاست «مهار ایران» و بخشی از سیاست کلی‌تر «مهار دوگانه ایران و عراق» است که زمینه اجرای آن در اولین دوره ریاست جمهوری بیل کلینتون و تحت تأثیر گرایش‌ها و اعمال نفوذهای گروه‌های ضد ایرانی که عمدتاً از آپیک<sup>۱</sup>-کمیته امور عمومی آمریکا و اسرائیل- و سایر محافل صهیونیستی سرچشمه می‌گرفت، فراهم گردید. بدین ترتیب آمریکا نشان داد که قصد دارد خط‌مشی گذشته خود در منطقه خلیج فارس را حتی با شدت بیشتری ادامه دهد. از دیدگاه آمریکا ایران و عراق به‌طور یکسان جهان غرب را تهدید می‌کنند و باید از طریق تحریم‌های اقتصادی و کنترل و مهار نظامی با آنها مقابله شود (آذری و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۴-۱۵).

### ۲-۳-۸. بی‌ثباتی<sup>۲</sup> در حکومت هدف و براندازی نرم

با بررسی تاریخی در حوزه تحریم‌های اقتصادی می‌توان پی برد که یکی از مهم‌ترین اهداف سیاست خارجی کشورها از اعمال تحریم اقتصادی، تغییر نظام بوده است. هدف تحریم‌هایی که عزم آنها تغییر رژیم است، وارد کردن حداکثر هزینه در کوتاه‌ترین زمان جهت از پا درآوردن رژیم تحت تحریم و گاهی آماده کردن شرایط برای حمله نظامی به آن کشور می‌باشد بی‌ثبات کردن حکومتی که اگرچه الزاماً از هنجارهای رفتار بین‌المللی سرپیچی نکرده و یا به نقض قوانین بین‌المللی نپرداخته است، به‌طور مثال به تحریم‌های آمریکا علیه کوبا می‌توان اشاره کرد (عابدینی، ۱۳۸۶: ۱۴).

شایان ذکر است در ادبیات متعارف اقتصاد تحریم، مبارزه با تروریسم بین‌الملل و جلوگیری از ساخت و گسترش سلاح‌های کشتار جمعی نیز به‌عنوان برخی از اهداف تحریم‌ها مطرح می‌شود.

<sup>1</sup> American Israel Public Affairs Committee (AIPAC)

<sup>2</sup> destabilization

## ۲-۴. سیاست خارجی ایالات متحده

حمله تروریستی ۱۱ سپتامبر در نوع خود فرصتی را برای سیاستمداران آمریکا فراهم نمود تا بتوانند به اتخاذ راهبردی نوین در عرصه‌ی سیاست خارجی خود بپردازند. آنان با بهانه‌جویی و بزرگ‌نمایی خطر تروریسم در عرصه بین‌المللی به تثبیت هژمونی آمریکا بر جهان پرداختند. همچنین این کشور از این زمان تعریف جدیدی از امنیت را ارائه کرده و به دنبال مفهوم جدیدی از امنیت در سیاست خارجی خود بوده است و در همین راستا، بر اساس رویکرد «مداخله‌گرایی فزاینده» راهبرد «حمله پیش‌دستانه» را در عرصه سیاست خارجی خود پیگیری نموده است (متقی و همکاران، ۱۳۸۹).

اهداف سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا را می‌توان با توجه به سند راهبرد امنیت ملی دولت ترامپ<sup>۱</sup> در موارد ذیل خلاصه کرد:

- تهدید، تسلیم و محدود کردن دشمنان آمریکا و مجازات آنها؛
- همراه کردن کشورهای مختلف با سیاست‌های خود؛
- تقویت جبهه کشورهای متحد آمریکا؛
- اعمال نفوذ در کشورهای مختلف و رهبری در صحنه جهانی جهت حفظ و تقویت ارزش‌ها، منافع و سبک زندگی آمریکایی.

مطالعه تاریخ سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد تأثیرگذاری بر ایران یکی از معماهایی بوده که رؤسای جمهور آمریکا را همواره به خود مشغول نگه داشته است. اگرچه ابزار نظامی معمولاً به‌عنوان جدی‌ترین ابزار واشنگتن در برابر ایران معرفی می‌شود، اما این ابزار دیگر کارایی لازم را ندارد. در سالیان اخیر مهم‌ترین ابزار سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران، تحریم بوده است که آمریکا از قدرت اجماع‌سازی خود برای همراه کردن سایر کشورها در راستای اثربخشی بیشتر تحریم‌ها استفاده کرده است (جمشیدی، ۱۳۹۲).

## ۲-۵. پیشینه پژوهش

کتاب و مقالات زیادی در زمینه تحریم‌های بین‌المللی نوشته شده است؛ اما تنها برخی از مقالات به تبیین راهبرد و الگوی تحریم در یک نگاه بلندمدت پرداخته‌اند. در حوزه مطالعات داخلی پیرامون تحریم‌ها، می‌توان به مقاله طغیانی و درخشان (۱۳۹۳) اشاره کرد که به واکاوی تأثیر تحریم‌های اقتصادی بر ایران با استفاده از تجربیات جهانی، راهکارهای علمی و عملی مقابله با تحریم‌های اقتصادی و اولویت‌بندی این راهکارها پرداخته‌اند. در این مقاله با توجه به عوامل تشدید و تقلیل تأثیر تحریم‌ها، هشت راهکار عملی برای مقابله با تحریم‌ها، مبتنی بر کاهش منافع و افزایش هزینه‌های تحریم‌کنندگان و افزایش منافع و کاهش هزینه‌های تحریم‌شونده پیشنهاد می‌شود.

<sup>۱</sup> National security strategy

نیکو گفتار و ردادی (۱۳۹۴) با استفاده از روش تحلیل محتوا به بررسی نقاط اعمال فشار دشمن در تحریم‌ها می‌پردازند. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که حسب تنوع و تعداد، تحریم‌ها بیش از همه بر مقوله تأمین ملزومات ملی و پس از آن بر زیرساخت‌های کشور اعمال فشار دارد.

اسلامی و نقدی (۱۳۹۵) به بررسی سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران با توجه به ابزار تحریم‌ها پرداخته‌اند. این مقاله سیاست تحریم در برابر جمهوری اسلامی ایران را در پسابرجام مورد بررسی قرار داده و بنابر نظریه تحریم و ذهنیت نخبگان سیاسی آمریکا، استمرار تحریم و تصویب تحریم‌های جدید را بسیار محتمل می‌داند. مصلی نژاد (۱۳۹۳) چندجانبه‌گرایی نامتوازن را به مثابه بخشی از سیاست راهبردی جهان غرب برای محدودسازی قابلیت‌های اقتصادی و بین‌المللی ایران می‌داند. این مقاله با توجه به روند محدودسازی قابلیت‌های ایران و اعمال محدودیت و کاهش مرحله‌ای برخی از تحریم‌ها نتیجه می‌گیرد که آمریکا، اتحادیه اروپا و روسیه از راهبرد چندجانبه‌گرایی نامتوازن برخوردار با ایران بهره گرفته‌اند.

علوی (۱۳۹۵) به گونه‌شناسی تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا علیه ایران در دوره ریاست جمهوری اوباما می‌پردازد. در این مقاله با توجه به تحول تحریم‌ها در دوره اوباما، نشان داده شده است که هدف از آن، افزایش فشار بر مردم ایران است تا از طریق ناراضی‌های عمومی، ساختارهای حکومتی ایران به چالش کشیده شود. وی نتیجه می‌گیرد که رفع نقاط ضعف اقتصادی کشور به‌خصوص در بخش وابستگی به نفت به‌عنوان مهم‌ترین راهبرد بلندمدت جهت خلاصی از تحریم‌ها در دستور کار دولت و ملت ایران قرار گیرد. علومی (۱۳۸۵) به بررسی جایگاه تحریم در سیاست خارجی آمریکا پرداخته است. در این مطالعه اهداف و دلایل این کشور از اعمال تحریم و علل جذابیت تحریم به‌عنوان ابزار در سیاست خارجی آمریکا مورد بررسی قرار گرفته است.

اقبالی و خلیل زاده (۱۳۹۵) به تبیین نقش تحریم‌های اقتصادی به‌عنوان نوعی ابزار تنبیهی در صحنه بین‌المللی برای ایجاد تغییر در رفتار کشور هدف پرداخته است. این مطالعه با روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای به این نتیجه رسیده است که آمریکا و متحدانش صرفاً به دنبال متوقف ساختن صنعت هسته‌ای ایران نیستند بلکه هدف اصلی آن‌ها استفاده از ابزار تحریم اقتصادی در راستای اعمال سیاست خارجی مدنظر خود در ایران می‌باشد.

### ۳. روش‌شناسی پژوهش

روش‌شناسی مورد استفاده در این مطالعه روش‌شناسی کیفی می‌باشد و از روش نظریه‌پردازی داده بنیاد به‌عنوان روش عملیاتی تحقیق استفاده شده است. روش نظریه داده بنیاد، شیوه‌ای از پژوهش کیفی است که در آن، با استفاده از دسته‌ای از داده‌ها، نظریه‌ای تکوین می‌یابد. هدف نظریه‌پردازی داده بنیاد تولید نظریه است و در مرحله مقدماتی علاوه بر توصیف پدیده به ارائه مدل نیز می‌پردازد (مهری، ۱۳۹۵).

تحقیقات کیفی برخلاف پژوهش‌های کمی که مبتنی بر یک چارچوب نظری جهت نظریه آزمائی هستند، از چارچوب مفهومی استفاده می‌کنند. چارچوب مفهومی مجموعه مفاهیم به هم مرتبطی را شامل می‌شود که بر مفاهیم عمده مورد مطالعه تمرکز دارد و آنها را در قالب یک نظام منسجم و مرتبط معنایی به همدیگر پیوند



می‌دهد (احمدپور، ۱۳۸۵: ۱۲۳). در رویکرد ثانویه محققان نظریه‌پردازی داده بنیاد بر استفاده از تئوری در تحقیق تأکید شده است و در تعریف حساسیت نظری بیان می‌دارد که سطح حساسیت نظری یک پژوهشگر بازتابی از سابقه ذهنی و فکری محقق است، یعنی از نوع نظریه‌ای که مطالعه و درک کرده می‌تواند در انجام پژوهش خود بهره‌گیرد (مالانی، ۲۰۰۶: ۲۳).

در بررسی کیفی می‌توان از نمونه‌گیری نظری استفاده کرد. از نمونه‌گیری نظری برای تشخیص تعداد مفاهیم، تعیین محل داده‌های مورد نیاز در متن و یافتن مسیر پژوهش استفاده می‌شود (احمدپور، ۱۳۸۵: ۴۵). در این پژوهش به صورت موردی به تحقیق و بررسی مکتوبات، سخنرانی‌ها و نظرات افراد استراتژیست و مسئولان ارشد وزارت خزانه‌داری در حوزه تحریم در یک دهه اخیر آمریکا پرداخته شده است. این افراد عبارت‌اند از: استوارت لوی<sup>۱</sup>، ریچارد نفیو<sup>۲</sup>، الیزابت روزنبرگ<sup>۳</sup>، خوان زاراته<sup>۴</sup>، دیوید کوهن<sup>۵</sup> و آدام ژوبین<sup>۶</sup>.

بر خلاف پژوهش‌های کمی که به سادگی می‌توان رویه‌ها و مراحل آن را از هم تفکیک کرد و تحلیل داده‌ها مرحله مستقلی از فرآیند گردآوری آن‌هاست، در پژوهش‌های کیفی به‌ویژه در روش نظریه بنیادی مرزبندی شفاف بین مراحل پژوهش وجود ندارد و ما با مراحل و رویه‌های یکپارچه‌ای سروکار داریم. به عبارت ساده‌تر، در پژوهش کیفی تحلیل داده‌ها فرآیندی چندمرحله‌ای و مستمر است که دست کم با فرآیند گردآوری داده‌ها شروع می‌شود. تحلیل داده‌ها بخش مهمی از طرح پژوهشی مقدماتی است، چراکه هر مطالعه کیفی نیازمند تصمیماتی درباره چگونگی انجام تحلیل کیفی است (مهری، ۱۳۹۵). بنابراین در این مقاله، پژوهشگر به تحلیل داده‌ها به کمک مجموعه گردآوری‌شده از نظرات اندیشمندان و مسئولان سیاسی - امنیتی ایالات متحده به‌عنوان داده‌های ثانویه، پرداخته است. این کار به پژوهشگر کمک کرد تا با تمرکز و انسجام بیشتری به تحلیل متون مربوطه بپردازد و ارتباط بهتری بین داده‌های جمع‌آوری شده و سؤالات اصلی پژوهش برقرار کند. داده‌های ثانویه می‌تواند منبعی غنی برای مطالعات گراندد تئوری محسوب شود (مالانی، ۱۳۹۳: ۱۴۲).

در گراندد تئوری از سه مرحله کدگذاری برای تحلیل داده‌ها استفاده می‌گردد. کدگذاری مهم‌ترین استراتژی یا روش مفهوم‌پردازی در پژوهش‌های کیفی است. در واقع بر اساس کدگذاری است که سؤالات پژوهش هدایت می‌شود و یا سؤالات پژوهشی جدیدی طرح می‌شود. همچنین، از طریق روش کدگذاری داده‌های خام کیفی به داده‌ها یا موادی قابل مدیریت و مفید تبدیل می‌شود. سه سطح کدگذاری در تدوین نظریه تغییر زبان گفتار عبارت‌اند از: کدگذاری باز، محوری و گزینشی (مهری، ۱۳۹۵).

<sup>۱</sup> stuart levy - معاون وزیر خزانه‌داری آمریکا در امور تروریسم و اطلاعات مالی در دوره ریاست جمهوری بوش پسر در آمریکا

<sup>۲</sup> richard nephew - مسئول تیم طراحی تحریم‌ها علیه ایران، منجر به برجام، در دوره دوم اوباما و چهره اصلی تیم پشتیبان مذاکره‌کنندگان این توافق در امور تحریم‌ها در وین و نویسنده کتاب «هنر تحریم‌ها: نگاهی از درون میدان».

<sup>۳</sup> elizabeth rosenberg - مدیر برنامه انرژی، اقتصاد و امنیت در مرکز امنیت نوین آمریکا

<sup>۴</sup> juan zarate - معاون وزیر خزانه‌داری آمریکا در امور مبارزه با تروریسم و جرایم مالی در دوران مدیریت استیوارت لوی و

نویسنده کتاب «نبرد خزانه: ظهور عصر جدید جنگ افزارهای مالی»

<sup>۵</sup> David cohen - کارشناس ارشد مرکز امنیت نوین آمریکا (CNAS)

<sup>۶</sup> adam szubin - مدیر اداره کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه‌داری در دوره هنری پاتلسون

#### ۴. یافته‌ها و تجزیه و تحلیل داده‌ها

همانطور که در بیان مسئله طرح شد، مهم‌ترین پرسش تحقیق حاضر این خواهد بود که «مدل مفهومی الزامات استفاده از ابزار تحریم در پیشبرد سیاست خارجی ایالات متحده چیست»، لذا با استفاده از داده‌های ثانویه به پاسخگویی به این سؤال پرداخته می‌شود. در این فرآیند مهم‌ترین نظرات اندیشمندان و استراتژیست‌های سیاسی-امنیتی آمریکا در حوزه تحریم از جمله استوارت لوی، الیزابت روزنبرگ، ریچارد نفیو، خوان زاراته، آدام ژوبین و دیوید کوهن مورد تحلیل و واکاوی قرار گرفته است. در این بخش مقاله، ضمن شرح داده‌های جمع‌آوری شده از مجموعه نظرات و سخنرانی‌های افراد مذکور، تلاش می‌گردد تا فرآیند استخراج مفاهیم اصلی، کدگذاری باز، محوری و انتخابی به انجام رسیده و چارچوب نظری پدیدار گردد. حال به تبیین مقوله‌های کلیدی با توجه به نظرات استوارت لوی، ریچارد نفیو، خوان زاراته، الیزابت روزنبرگ، دیوید کوهن و آدام ژوبین پرداخته می‌شود.

#### ۴-۱. الزامات و عوامل مؤثر بر کارایی ابزار تحریم در نگاه استوارت لوی

استوارت لوی فارغ‌التحصیل «دانشکده حقوق دانشگاه هاروارد» بر اساس فرمان اجرایی ۱۳۳۵۰ جرج بوش رئیس‌جمهور وقت آمریکا و با تأیید مجلس سنا، به‌عنوان اولین «معاون اطلاعات مالی و تروریسم وزارت خزانه‌داری» منصوب شد. وی در مراسم معارفه خود در کنگره، جمهوری اسلامی ایران را چالشی جدی برای آمریکا معرفی کرد و خواستار تجمیع ظرفیت‌های پارلمانی - اجرایی آمریکا و متحدانش باهدف تغییر در سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران شد.

لوی معتقد بود که برای وادارسازی جمهوری اسلامی ایران به پذیرش مذاکرات و تغییر رفتار، می‌بایست ترکیب مناسبی از چهار اصل یکپارچه‌سازی، هوشمندسازی، تجمیع ظرفیت‌ها و تعمیم جهت افزایش کارایی تحریم‌ها استفاده کرد. متناسب با اصل یکپارچه‌سازی، وی به برنامه‌ریزی برای همراهی بیشتر کشورهای همسایه ایران، شرکت‌های بیمه بین‌المللی، قانون‌گذاران کنگره ایالات متحده با گسترش تحریم‌ها در حوزه‌های مختلف می‌پرداخت. همچنین وی بر گسترش تحریم صنایع راهبردی و زیربنایی جمهوری اسلامی مبتنی بر اصل هوشمندسازی، تأکید ویژه داشت. از طرفی تصویب توأمان تحریم‌های چندبعدی علیه صنایع نظامی، انرژی و مالی مبتنی بر اصل تجمیع ظرفیت‌ها در دستور کار قرار گرفت. در دوره معاونت لوی در وزارت خزانه‌داری، بر اساس اصل تعمیم، سایر صنایع غیرمرتبط با دانش هسته‌ای با توجیه نقش‌آفرینی غیرمستقیم در فعالیت‌های هسته‌ای نظامی و صنایع موشکی غیرمتعارف در فهرست تحریم قرار داده شد؛ بنابراین می‌توان گفت که به عبارتی رعایت این چهار اصل از الزامات افزایش کارایی ابزار تحریم در نگاه استوارت لوی می‌باشد.<sup>۱</sup>

۱. ر.ک. گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس تحت عنوان «طراحان تحریم جمهوری اسلامی ایران در دولت و کنگره آمریکا».



نمودار شماره (۱) کارایی ابزار تحریم در نگاه استوارت لوی  
منبع: یافته‌های تحقیق

#### ۴-۲. الزامات و عوامل مؤثر بر کارایی ابزار تحریم در نگاه ریچارد نفیو

در نگاه ریچارد نفیو با مناسب‌سازی تحریم‌ها بر اساس هر کشور، می‌توان از استهلاک تحریم جلوگیری کرد؛ به عبارت دیگر جهت متناسب‌سازی تحریم‌ها با کشورهای هدف ابتدا می‌بایست اولویت‌های ملی کشور هدف، اعتبار و جایگاه آن و اینکه چگونه می‌توان به آن صدمه زد، بر اساس عوامل زیر مورد بررسی قرار بگیرد. سپس با شناسایی این عوامل و اعمال آن در برنامه‌ریزی راهبردی، اثرگذاری تحریم را افزایش داد.



نمودار شماره (۲) عوامل مؤثر در شناخت اولویت ملی کشور هدف تحریم‌ها بر اساس نظرات ریچارد نفیو  
منبع: کتاب «هنر تحریم‌ها؛ نگاهی از درون میدان»

در ادبیات تحریمی نفیو، کشورهایی با اقتصاد باز و سطح تجارت خارجی بالا و شرکای تجاری محدود، جزو کشورهای تحریم پذیر محسوب می‌شوند. شایان ذکر است هر چه اقتصاد کشور هدف، بسته و جامعه غیر دموکراتیک باشد، تحریم کم اثرتر خواهد بود.

نفیو در ارتباط با عوامل مؤثر بر شکست راهبرد تحریم و کاهش اثرگذاری آن به سه دلیل اصلی اشاره می‌کند: (نفیو، ۱۳۹۷: ۹۹ - ۱۱۰):

۱. شمولیت کم تحریم‌ها: گاهی تحریم‌ها درد و فشار کافی در کشور هدف را ایجاد نمی‌کند و منجر به تغییر سیاست‌ها نمی‌شود؛ بنابراین به این قانون کلی باید توجه کرد که تحریم‌ها باید تا زمان رسیدن به یک نقطه تغییر ادامه پیدا کنند. در نتیجه فشار ناشی از تحریم‌ها بر کشور هدف افزایش یافته و با تغییر سیاست‌ها از تحمل درد بیشتر جلوگیری می‌کند.

۲. اهداف سردرگم و متناقض: تحریم‌ها معمولاً مجموعه‌ای از اهداف مشخص و متحدی را دنبال می‌کند، اما این موضوع همیشه مصداق ندارد. به‌طور مثال در مورد ایران در دوره‌های مختلف نظرات متفاوتی وجود داشته است. تغییر حاکمیت هدف اصلی اعمال تحریم‌ها در دوره‌ای برای ایران بوده است ولی با روی کار آمدن اوباما این هدف تغییر کرد و تغییر رفتار ایران در دستور کار قرار گرفت. این تغییر در اهداف که گاهی متناقض و سر در گم است یکی از دلایل اصلی شکست تحریم‌ها می‌باشد.

۳. شمولیت بالای تحریم‌ها و تبعات ناخواسته: گاهی فشار زیاد و شمولیت بالای تحریم‌ها موجب ایجاد تبعات ناخواسته‌ای می‌شود و باعث می‌شود کشور هدف یا از رفتار فعلی خود فاصله نگرفته و آن را تقویت کند و یا آن را تشدید کند.

در نگاه نفیو برای تحریم‌ها حد و حدود و مرز مشخصی نمی‌توان قائل شد. وی تنها این نکته را متذکر می‌شود که موفقیت در اعمال تحریم‌ها به بررسی دقیق منافع کشور هدف و دانستن میزان فشار وارد شده به آن کشور بستگی خواهد داشت.

ریسک دیگری که از اثرگذاری بیش از اندازه تحریم‌ها به وجود می‌آید ایجاد درد ناخواسته است که گاهی باعث تأثیرات عکس در کشور هدف می‌شود. اساساً هرگونه اقدام سیاست خارجی که در خود ریسک تبعات ناخواسته را داشته باشد متضمن آثار و تبعات راهبردی نیز هست. آثار ناخواسته تحریم‌ها بیشتر به جنبه‌های بشردوستانه آنها مربوط می‌شود.

فشار تحریم نادرست که از مسیر نامناسب اعمال شده باشد می‌تواند اثرگذاری نظام تحریم‌ها را با بالا بردن استقامت کشور هدف تحت‌الشعاع قرار دهد، زیرا به کشور هدف امکان می‌دهد تقصیر مسئله را به دوش خارجی‌ها انداخته و از پذیرش نقش خود در این شرایط شانه خالی کنند و به این ترتیب دور باطلی از ایجاد تنفر عمیق نسبت به جهان خارج در آن کشور به وجود خواهد آمد.

در نگاه نفیو، مهم‌ترین شاخص‌های اقتصادی جهت نشان دادن میزان اثرگذاری تحریم در کشور هدف، نرخ بیکاری، نرخ ارز و نرخ تورم به شمار می‌رود. شایان ذکر است یکی از مقوله‌هایی که نفیو در خصوص الزامات اثرگذاری تحریم به آن اشاره می‌کند، ایجاد ادراک اثرگذاری تحریم و نگرانی آن در بین مردم می‌باشد. این حس از طریق تغییر در شاخص‌های سه‌گانه مذکور (به خصوص نرخ ارز) و همچنین کمبود یا گرانی برخی از

کالاهای دارای حساسیت اجتماعی - که در کشورهای گوناگون متفاوت می‌باشد - ایجاد می‌شود. به‌طور مثال در ایران مرغ و دارو از این نوع کالاها محسوب می‌شوند؛ به عبارت دیگر در ایران کالاهای اساسی مانند دارو و تجهیزات پزشکی و همچنین برخی از اقلام دیگر مانند مرغ و پوشک بچه، جزو کالاهای دارای حساسیت اجتماعی به شمار می‌روند و کمبود در آنها از طریق احتکار توسط شبکه نفوذ داخلی یا ایجاد اختلال توسط دشمن در کانال‌های وارداتی می‌تواند به اثرگذاری ذهنی تحریم کمک کند.<sup>۱</sup>

#### ۳-۴. الزامات و عوامل مؤثر بر کارایی ابزار تحریم در نگاه الیزابت روزنبرگ

روزنبرگ تحریم‌های مالی را نوعی از اقدامات اقتصادی اجباری معرفی می‌کند که هدف آنها، محافظت از سیستم مالی ایالات‌متحده و پروژه قدرت آمریکایی در مقابله با هرگونه فعالیت غیرقانونی می‌باشد. او تحریم‌های اقتصادی، کنترل‌های تجاری و محدودیت‌های سرمایه‌گذاری را از مهم‌ترین اقدامات اقتصادی اجباری (CEMs) معرفی می‌کند.<sup>۲</sup>

روزنبرگ در تبیین علل استفاده از ابزار CEM در سیاست خارجی ایالات‌متحده، به «مقابله با بحران» و «مدیریت چالش‌های امنیتی» اشاره می‌کند. در نگاه راهبردی الیزابت روزنبرگ، اهداف اصلی این ابزارها نسبت به کشورهای هدف<sup>۳</sup> را در چهار بخش تقسیم می‌کند:

- پیام‌رسانی راهبردی<sup>۴</sup>
- بازدارندگی<sup>۵</sup>
- محدودیت<sup>۶</sup>
- تغییر رفتار<sup>۷</sup>

وی عوامل گوناگونی را در تقویت بهره‌وری و کارایی تحریم‌ها در دست‌یابی به اهداف راهبردی دخیل می‌داند؛ برخی از این عوامل عبارت‌اند از: معقول کردن انتظارات، اطمینان از هماهنگی‌های چندجانبه، هماهنگی اهداف با ابزار و الگوسازی، پیش‌بینی و مدیریت اتفاقات غیرمنتظره. حال به تبیین این عوامل پرداخته می‌شود.

روزنبرگ اقدامات اقتصادی اجباری مانند تحریم‌ها را ابزاری جهت مدیریت ریسک در کشورهای هدف می‌داند که می‌بایست به‌عنوان جزئی از یک استراتژی امنیت ملی جهت رسیدگی به یک مشکل خاص در نظر گرفته شود. انتظارات بیش از حد از این ابزارها - به‌طور مثال انتظار پاسخ‌دهی سریع ابزار تحریم - می‌تواند ناامیدی و در پیش گرفتن یک استراتژی نادرست را برای کشورهای اعمال‌کننده به همراه داشته باشد.

<sup>۱</sup> ر.ک. کتاب «هنر تحریم‌ها؛ نگاهی از درون میدان» نوشته ریچارد نیو

<sup>۲</sup> coercive economic measures (CEMs)

<sup>۳</sup> Target countries

<sup>۴</sup> strategic messaging

<sup>۵</sup> Deterrence

<sup>۶</sup> constraint

<sup>۷</sup> behavior change

سیاست‌گذاران می‌بایست جهت افزایش کارایی تحریم‌ها به ایجاد ائتلاف‌های جهانی علیه کشور (ها) هدف بپردازند. وجود قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد می‌تواند در مشروعیت بخشی به استفاده از این ابزار، بسیار کارا باشد.

در نگاه راهبردی روزنبرگ، تحریم‌ها باید زمانی نسبت به کشور هدف اعمال شوند که بتوانند در ترغیب آن به تغییر رفتار نامناسب خود با موفقیت روبرو شوند. به‌طور کلی، استفاده از این ابزارها باید موقت و قابل جابجایی و حذف باشد. این ابزارها می‌بایست اهداف روشن و واضحی را دنبال کنند تا کشور هدف، با سردرگمی در تشخیص مواجه نباشد. در این حالت به راحتی رفتار اشتباه خود را تشخیص داده و آن را تغییر می‌دهد. از طرفی باید توجه داشت سیاست‌گذاران و تنظیم‌کنندگان این ابزار برای دستیابی به اهداف خود می‌بایست در نشان دادن سیگنال‌های عمومی نسبت به کشور هدف هماهنگ عمل کنند.

در تبیین و تشریح، پیش‌بینی و مدیریت این ابزارها می‌بایست از متخصصان امر بهره گرفت. استفاده از الگو در اعمال تحریم نیز می‌تواند نقش مؤثری در افزایش کارایی تحریم‌ها داشته باشد.

در بیان روزنبرگ، قدرت تحریم‌ها در سطح بین‌الملل، بازیگران غیرقانونی را به استفاده از روش‌هایی جهت دور زدن و تقلب سازمان‌یافته ترغیب می‌کند که می‌بایست نسبت به این امر جلوگیری شود. تقویت اقتصاد ایالات‌متحده و منعطف شدن بیشتر آن، می‌تواند در استفاده از تحریم‌ها به‌عنوان یک عامل بازدارنده در برابر اقدامات دشمنان آمریکا بسیار مؤثر باشد.<sup>۱</sup>

#### ۴-۴. الزامات و عوامل مؤثر بر کارایی ابزار تحریم در نگاه آدام ژوبین

در نگاه او تحریم‌ها به‌عنوان ابزاری مهم در راستای حکمرانی اقتصادی و مقابله با سوء استفاده از امنیت ملی و تهدیدات حوزه سیاست خارجی در زمینه‌های حقوق بشر، فساد، تروریسم و جرائم اینترنتی به شمار می‌رود. وی قائل به این است امروزه ایالات‌متحده به درستی از ابزارهای اقتصادی در جهت حکمرانی بین‌المللی خود بهره نمی‌برد؛ فلذا باید به این امر توجه بیشتری داشته باشد. او یکی از مهم‌ترین اهداف قوانین تحریمی را تغییر رفتار نادرست کشور هدف می‌داند. در نگاه ژوبین کسب اطمینان از کارایی تحریم‌ها و عدم استفاده بیش‌ازحد از آن‌ها بسیار مهم است. به عبارتی می‌توان گفت آمریکا باید بین سود و هزینه رژیم تحریم‌ها با در نظر گرفتن منافع خود، تعادل ایجاد کند. ژوبین پیشنهادهای را نیز در راستای افزایش قدرت و نفوذ تحریم‌های اقتصادی ایالات‌متحده در سطح بین‌المللی ارائه کرده است:

۱. حمایت بیشتر مجلس و دولت از وزارت خزانه‌داری و تیم‌های آن جهت کمک به بهبود عملکرد آنها
۲. تقویت روابط خارجی آمریکا با سایر نهادها و کشورهای جهان جهت استفاده از آنها در کمپین‌های تحریمی علیه کشور هدف.

<sup>۱</sup> ر.ک. گزارش مرکز امنیت نوین آمریکا با عنوان «قدرت اقتصادی آمریکا و چهره جدیدی از نبرد مالی»

۳. اقدام هماهنگ و جدی ایالات متحده در اعمال تحریم علیه بازیگران بین‌المللی و وجود نهادهای ناظر در حوزه تحریم جهت کمک به افزایش موفقیت تحریم‌ها.
۴. به عبارتی آمریکا می‌بایست عواقب عدم اجتناب از تحریم‌ها را به بازیگران سرکش نشان دهد تا ترس از تحریم‌ها در این کشورها افزایش یابد.
۵. توجه ویژه به طراحی بازی و برنامه‌های هدفمند تحریمی جهت متقاعد کردن کشور هدف به تغییر در رفتار.

ژوبین اشاره می‌کند که اگر هدف از تحریم‌ها را تغییر رفتار کشور هدف می‌دانیم، می‌بایست آنها را به‌گونه‌ای تنظیم و اجرا کنیم که قابلیت برگشت و حذف داشته باشند؛ در غیر این صورت صرفاً نوعی مجازات و تنبیه به شمار می‌روند.

ژوبین در سخنان خود اشاره دارد: «ایالات متحده در زمینه تحریم‌های اقتصادی از مزایای بسیاری برخوردار است. ما از قدرت اقتصادی، همکاری نزدیک با رهبران اقتصادی جهان، اولویت استفاده از دلار و مؤسسات مالی ایالات متحده در مبادلات بین‌المللی برخورداریم. ما نسبت به سایر کشورها در استفاده از ابزارهای اقتصادی باتجربه‌تر و هوشمندانه‌تر عمل می‌کنیم. اگر این دارایی‌ها را حفظ کنیم، اعتقاد دارم که تحریم‌های اقتصادی می‌توانند در سال‌ها و دهه‌های آینده، منجر به تقویت و گسترش امنیت آمریکا و سایر کشورها شود.»<sup>۱</sup>

#### ۴-۵. الزامات و عوامل مؤثر بر کارایی ابزار تحریم در نگاه خوان زاراته

در نگاه خوان زاراته، جهت افزایش کارایی ابزار تحریم می‌بایست به تقویت شفافیت مالی در کشورهای هدف در قالب مبارزه با پولشویی و کمک به جهانی‌شدن کشور هدف در تبادلات مالی - به‌عنوان مهم‌ترین الزامات در تقویت راهبرد تحریمی وزارت خزانه‌داری ایالات متحده - پرداخته شود. این امر با توجه به تمایل بانک‌ها به ریسک‌گریزی در مسئله سوء شهرت می‌تواند در راستای تقویت منافع ملی آمریکا و پیشبرد اهداف سیاست خارجی ایالات متحده به کار گرفته شود.

در ادبیات تحریمی زاراته، امروزه با توجه به جریان‌های مالی گسترده کشورها در سطوح مختلف بین‌الملل می‌توان از تحریم به‌عنوان یک ابزار هوشمند جهت مدیریت کشورها بهره برد. او در این راهبرد به نقش کلیدی بانک‌ها توجه ویژه‌ای دارد و قدرت ابزار تحریم را در بالا بودن ارزش دلار می‌داند و افول جایگاه دلار را در سطح جهانی نوعی کاهش قدرت خزانه‌داری می‌پندارد.<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> ر.ک. سخنرانی آدام ژوبین در کمیته روابط خارجه مجلس نمایندگان آمریکا

<sup>۲</sup> ر.ک. کتاب «تبرد خزانه: ظهور عصر جدید جنگ افزارهای مالی» نوشته خوان زاراته



نومدار شماره (۳) الزامات راهبردی اعمال تحریم در نگاه خوان زارانه  
منبع: یافته‌های تحقیق

#### ۴-۶. الزامات و عوامل مؤثر بر کارایی ابزار تحریم در نگاه دیوید کوهن

«دیوید کوهن» معاون اطلاعات مالی و تروریسم وزارت خزانه‌داری آمریکا در دوره اوباما در تبیین نقش ابزار تحریم در پیشبرد منافع ملی ایالات متحده بیان می‌کند: «صرف‌نظر از مسائل مربوط به تأمین مالی تروریست، استفاده وزارت خزانه‌داری از اقدامات مالی (مانند تحریم) به یک ابزار مهم برای حفاظت و پیشرفت طیف وسیعی از اهداف امنیت ملی و منافع سیاست خارجی ایالات متحده تبدیل شده است. دلیل گسترش اختیارات معاونت اطلاعات مالی و تروریسم ساده است؛ تقریباً هر تهدید امنیت ملی دارای یک جزء مهم مالی است. به‌منظور کاهش این تهدیدات، تفکر خلاق در مورد چگونگی تحمیل فشار، علی‌الخصوص فشار مالی و بهره‌برداری کردن از آسیب‌پذیری‌های مالی دشمنان ما بسیار مهم به شمار می‌رود.»

وی در سخنرانی دیگری به یکی از مهم‌ترین الزامات تحریم در افزایش کارایی آن اشاره می‌کند: «ما فضا را برای بازیگران نامشروع (دولت‌ها، تروریست‌ها یا مجرمان) بسیار سخت کرده‌ایم که خودشان را در اقتصاد نامشروع پنهان می‌کنند. این دلیلی است که شفافیت مالی (ساخت، حفاظت و تقویت آن) به‌عنوان هسته اصلی مأموریت وزارت خزانه‌داری به چشم می‌خورد.»



کوهن که مدتی نیز به‌عنوان معاون سازمان سیا خدمت می‌کرد، در اهمیت نقش دلار و وابستگی اقتصاد جهانی به آن در اعمال موفقیت‌آمیز تحریم‌ها چنین بیان می‌کند: «مؤسسات مالی در همه‌جا نیاز به دلار برای خدمت به مشتریان خود و در نتیجه نیاز به دسترسی بانک‌ها در ایالات‌متحده برای مشتریان خود دارند. این بدان معناست که بانک‌های خارجی با تحریم‌های ما هماهنگ هستند.»

دیوید کوهن که از او با عنوان معمار تحریم‌های ایران و روسیه نیز یاد می‌شود، در سخنرانی خود در جمع دانشجویان مؤسسه‌ی آموزشی وکالت با عنوان «تکامل قدرت مالی آمریکا» تصریح می‌کند که موفقیت در اعمال تحریم‌های ایران، بر چند پایه استوار بوده است:

۱. شفافیت نظام مالی که اجازه‌ی رصد کردن را به دولتمردان آمریکا می‌دهد.

۲. نفوذ و گستره‌ی استفاده از دلار در اقتصاد جهانی که اجازه‌ی تنبیه بازیگران را می‌دهد.

۳. انسجام و هماهنگی موجود در میان تصمیم‌گیران آمریکایی برای تحریم ایران.

در این مطالعه الزامات اثرگذاری تحریم در قالب ۲۵ مقوله کلیدی استخراج شد که بر اساس موضوع می‌توان آن را به ۳ مقوله محوری تقسیم کرد. بررسی نظرات و مکتوبات این افراد نشان می‌دهد که عوامل و الزامات متعددی در اثرگذاری و کارایی ابزار تحریم مؤثر می‌باشد. از این رو در کدگذاری باز با تجزیه و تحلیل مطالب جمع‌آوری شده و شناسایی مفاهیم نهفته در آنها طی دوگام، با کشف تمایز موضوعات، آنها را جداسازی و در گام بعدی موضوعات متشابه تحت یک عنوان واحد، طبقه‌بندی شده است که الزامات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی-اجتماعی را در پیشبرد اهداف سیاست خارجی ایالات‌متحده نشان می‌دهد. در کدگذاری محوری رابطه بین مفاهیم اصلی تعیین گردید که در مدل پارادایمی نمایش داده شده و در کدگذاری انتخابی مدل مفهومی پدیدار گردیده است. در ادامه به تشریح این الزامات پرداخته خواهد شد.

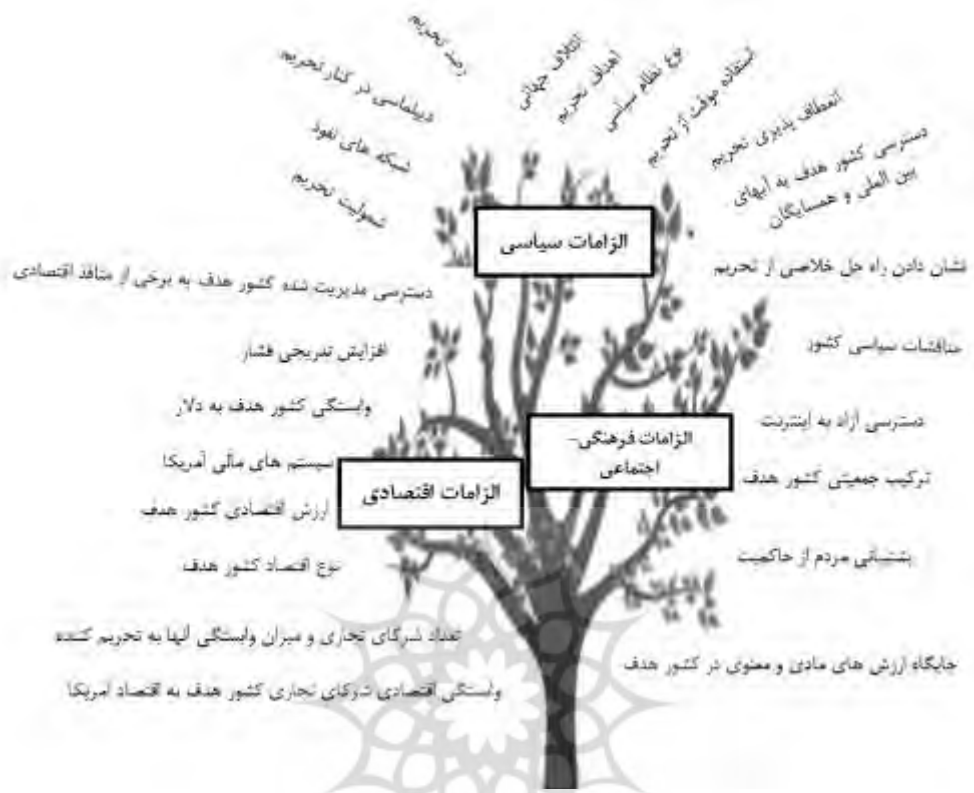
جدول شماره (۱) مقوله‌های کلیدی و محوری حاصل از پژوهش

مقوله‌های محوری	مقوله‌های کلیدی حاصل از پژوهش	شماره
الزامات اقتصادی	ارزش کشور هدف در اقتصاد جهانی	۱
	نوع اقتصاد کشور هدف؛ بسته یا باز بودن و آسیب‌پذیری‌های آن	۲
	قدرتمند بودن دلار به مثابه یک ارز جهان روا	۳
	استفاده از سیستم‌های مالی آمریکا در تبادلات بین‌المللی کشور هدف	۴
	میزان وابستگی اقتصادی شرکای تجاری کشور هدف به دلار و اقتصاد آمریکا	۵
	تعداد شرکای تجاری کشور هدف و سطح تجارت خارجی آن	۶
الزامات سیاسی	همراهی سایر کشورها در روند اجرای تحریم (ائتلاف‌های جهانی)	۷
	افزایش تدریجی فشار ناشی از اعمال تحریم‌ها نسبت به کشور هدف	۸
	رصد دقیق و کامل روند اجرای تحریم‌ها	۹
	استفاده از دیپلماسی در کنار تحریم جهت افزایش اثرگذاری	۱۰
	نشان دادن راه‌حل نه‌چندان دشوار برای خلاصی از تحریم به کشور هدف	۱۱

مقوله‌های محوری	مقوله‌های کلیدی حاصل از پژوهش	شماره
	در دسترس گذاشتن برخی منافذ اقتصادی تحت کنترل برای کشور هدف جهت تنظیم فشار تحریم	۱۲
	استفاده موقت و کوتاه‌مدت از ابزار تحریم توسط کشور تحریم کننده	۱۳
	وجود شبکه‌های نفوذی داخلی و خارجی در حوزه اقتصاد و سیاست کشور هدف	۱۴
	نوع نظام سیاسی، افراد و نهادهای اثرگذار در کشور هدف	۱۵
	کم یا زیاد بودن شمولیت تحریم‌ها	۱۶
	مشخص یا مبهم بودن اهداف اعمال تحریم نسبت به کشور هدف	۱۷
	کیفیت مناقشات سیاسی کشور هدف در دوره‌های اخیر مانند جنگ، رکود و ...	۱۸
	جغرافیای سیاسی کشور هدف (دسترسی به آب‌های آزاد، تعداد کشورهای همسایه و ...)	۱۹
	انعطاف‌پذیری تحریم‌ها (قابلیت برگشت و حذف تحریم‌ها)	۲۰
	میزان همراهی مردم با حکومت کشور هدف در مقابله با تحریم‌های اعمال شده	۲۱
الزامات فرهنگی- اجتماعی	دسترسی کشور هدف به اطلاعات به صورت آزاد (اینترنت)	۲۲
	نوع ذهنیت و ادراک مردم و نخبگان کشور هدف از کشور تحریم کننده	۲۳
	ترکیب جمعیتی کشور هدف (پیر یا جوان بودن)	۲۴
	جایگاه ارزش‌های مادی و ارزش‌های سنتی و معنوی مانند شهادت و ایثار در فرهنگ مردم کشور هدف	۲۵

منبع: یافته‌های تحقیق

شایان ذکر می‌باشد با یک مقایسه تحلیلی-تطبیقی در یافته‌های پژوهش می‌توان دریافت که مسئولان ارشد وزارت خزانه‌داری و نخبگان آمریکا در مقوله‌های مذکور اشتراک فراوانی داشته و به اثرگذاری بالای دو مقوله «انعطاف‌پذیری تحریم در کنار دیپلماسی قوی» و «میزان وابستگی کشور هدف و شرکای تجاری آن به ارز دلار و اقتصاد آمریکا» نیز به اتفاق، اذعان دارند. فلذا جهت جلوگیری از اطاله کلام از مقایسه نموداری خودداری شده است؛ بنابراین «مدل مفهومی الزامات استفاده از ابزار تحریم در پیشبرد اهداف سیاست خارجی ایالات متحده» را می‌توان در قالب شکل زیر نشان داد.



نمودار شماره (۴) مدل مفهومی الزامات استفاده از ابزار تحریم در پیشبرد سیاست خارجی ایالات متحده

منبع: یافته‌های تحقیق

### ۵. نتیجه‌گیری

امروزه ایالات متحده در پیشبرد اهداف سیاست خارجی خود از ابزار تحریم استفاده می‌کند و برای استفاده اثرگذار از این ابزار الزاماتی را باید محقق کند. این الزامات به سه بخش سیاسی، اقتصادی و فرهنگی-اجتماعی تقسیم می‌شود. الزامات اقتصادی عبارت‌اند از: ارزش کشور هدف در اقتصاد جهانی، نوع اقتصاد کشور هدف؛ بسته یا باز بودن و آسیب‌پذیری‌های آن، قدرتمند بودن دلار به مثابه یک ارز جهان روا، استفاده از سیستم‌های مالی آمریکا در تبادلات بین‌المللی کشور هدف و تعداد شرکای تجاری کشور هدف و سطح تجارت خارجی آن. از مهم‌ترین الزامات سیاسی می‌توان به افزایش تدریجی فشار ناشی از اعمال تحریم‌ها نسبت به کشور هدف، کم یا زیاد بودن شمولیت تحریم‌ها، جغرافیای سیاسی کشور هدف (دسترسی به آب-های آزاد، تعداد کشورهای همسایه و...)، انعطاف‌پذیری تحریم‌ها (قابلیت برگشت و حذف تحریم‌ها)، همراهی سایر کشورها در روند اجرای تحریم (اتلاف‌های جهانی) و رصد دقیق و کامل روند اجرای تحریم‌ها اشاره کرد. از طرفی عوامل فرهنگی-اجتماعی نیز شامل میزان همراهی مردم با حکومت کشور هدف در مقابله با

تحریم‌های اعمال شده، دسترسی کشور هدف به اطلاعات به صورت آزاد (اینترنت)، ترکیب جمعیتی کشور هدف (پیر یا جوان بودن) و جایگاه ارزش‌های مادی و ارزش‌های سنتی و معنوی مانند شهادت و ایثار در فرهنگ مردم کشور هدف می‌باشد.



## منابع و مأخذ

### منابع فارسی

- اسلامی، محسن و نقدی، فرزانه (۱۳۹۵)، ابزار تحریم و سیاست خارجی امریکا در قبال ایران، روابط خارجی، شماره ۳۲، صص ۳۷ تا ۷۱.
- اقبالی، میثم و خلیل زاده، مونا (۱۳۹۵)، تحریم‌های بین‌المللی به مثابه ابزاری اقتصادی در جهت اعمال سیاست خارجی، تحقیقات جدید در علوم انسانی. شماره ۸، صص ۲۰۳ تا ۲۲۶.
- آذری، مصطفی؛ دریایی، محمدهادی و حق پناه، محمود (۱۳۸۷)، تحریم اقتصادی؛ آثار و پیامدها، سیاست‌ها و راهکارها، مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد.
- پیغامی، عادل؛ سمیعی نسب، مصطفی؛ سلیمانی، یاسر و سید حسین زاده یزدی، سعید (۱۳۹۴)، تحریم‌های اقتصادی ایران؛ مبانی، ابعاد و راهکارها. چاپ اول. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- جمشیدی، محمد (۱۳۹۲)، تحریم؛ ابزار آمریکا برای تغییر محاسبه هسته‌ای ایران، مطالعات راهبردی، شماره ۶۲، صص ۱۱۹ تا ۱۵۶.
- طغیانی، مهدی و درخشان، مرتضی (۱۳۹۳)، تحلیل عوامل تأثیرگذاری تحریم‌های اقتصادی بر ایران و راهکارهای مقابله با آن، راهبرد، شماره ۷۳، صص ۱۱۵ تا ۱۴۶.
- عابدینی، وحید (۱۳۸۶)، نگاهی به تأثیر و کارآمدی تحریم‌های اقتصادی، مجله دیپلماسی ایرانی، ص ۱۸
- علومی، ابراهیم (۱۳۸۵)، جایگاه تحریم در سیاست خارجی آمریکا، مطالعات منطقه‌ای. شماره ۲۵ و ۲۶، صص ۵۵ تا ۷۸.
- علوی، سید یحیی و امیری، داریوش (۱۳۹۵)، نقش کنگره و وزارت خزانه‌داری آمریکا در اعمال تحریم‌های اقتصادی علیه جمهوری اسلامی (۲۰۱۰-۲۰۱۴)، رهیافت انقلاب اسلامی، شماره ۳۴، صص ۷۱ تا ۹۴.
- علوی، سید یحیی (۱۳۹۵)، گونه شناسی تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا علیه ایران در دوره ریاست جمهوری اوباما، مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۴۵، صص ۵۱ تا ۷۰.
- متقی، ابراهیم؛ بقایی، خرم و رحیمی، میثم (۱۳۸۹)، بررسی سیاست خارجی آمریکا در خاورمیانه پس از ۱۱ سپتامبر (براساس رویکرد واقع‌گرایی تهاجمی)، تحقیقات سیاسی و بین‌المللی. شماره ۴، صص ۱ تا ۲۶.
- مرکز پژوهش‌های مجلس، گزارش (۱۳۸۹)، طراحان تحریم جمهوری اسلامی ایران در دولت و کنگره آمریکا»، دفتر مطالعات سیاسی، شماره ۱۰۶۳۰، کد موضوعی ۲۶۰
- ملانی بیرکس و جین میلز (۱۳۹۳)، تحقیق مبنایی، ترجمه دکتر اعرابی و بانسی، نشر پژوهش‌های فرهنگی.

- مه‌ری، کریم (۱۳۹۵)، دولت اسلامی بر اساس بیانات مقام معظم رهبری: روش نظریه‌پردازی داده بنیاد، دانش سیاسی. شماره ۲۴، صص ۳۱ تا ۵۸.
- نفیو، ریچارد (۱۳۹۷)، هنر تحریم‌ها؛ نگاهی از درون میدان. مترجم: معاونت پژوهش‌های اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس، کد موضوعی: ۳۴۰، شماره مسلسل: ۱۵۸۶۱.
- نیکوگفتار صفا، حمیدرضا و ردادی، علی (۱۳۹۴)، تحلیل راهبردی تحریم‌های تحمیلی بر جمهوری اسلامی ایران (مبنتی بر الگوی واردن)، مطالعات راهبردی بسیج، شماره ۶۶، صص ۷۵ تا ۹۶.

### منابع لاتین

- Bessler, Manuel, Garfeild, Richard and Gerard Mc Hugh(2004). Sanctions Assessment Handbook: Assessing the Humanitarian Implications of Sanctions, United Nations Inter-Agency Standing Committee, New York.
- Eyler, R (2007), Economic Sanctions International Policy and Political Economy at Work, Palgrave Macmillan.
- Hafbauer Gary Clyde, Schott Jeffery J., Elliott Kimberly Ann and Oegg Barbara(2007), Economic Sanctions Reconsidered, Washington, DC, 3rd Edition, Peterson Institute for International Economics.
- HOUSE OF LORDS,(2007)The Impact of Economic Sanctions, 2nd Report of Session, Volume I, London: Authority of the House of Lords.
- Meyer Jeffrey A(2009). "Second Thoughts On Secondary Sanctions", in University of Pennsylvania Journal of International Law, Vol. 30, Issue 3.
- Zarate, Juan c (2013). Treasury's war: the unleashing of a new era of financial warfare, New York: PublicAffairs. 1st Edition
- <https://www.cnas.org/publications/reports/economic-statecraft-american-economic-power-and-the-new-face-of-financial-warfare>
- <https://docs.house.gov/meetings/FA/FA00/20180110/106761/HHRG-115-FA00-Wstate-SzubinA-20180110.pdf>
- <https://www.treasury.gov/press-center/press-releases/Pages/jl9716.aspx>
- <https://www.treasury.gov/press-center/press-releases/Pages/j12341.aspx>



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی